

عنوان نشست: تولید دانش و نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای فرهنگ‌پژوهی
مسئول نشست:	دکتر حسین عبداللهی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۴/۱۲/۱۲
اعضای هیأت علمی:	دکتر فائز دین‌پرستی صالح، دکتر علی خورسندی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)؛ دکتر عباس بازرگان (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)؛ دکتر حمیدرضا آراسته (عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر محمدامین قانعی راد (رئیس انجمن جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور)
مسئله محوری نشست:	بحث پیرامون تحول نشانگرهای رتبه‌بندی، تحلیل وضعیت و جایگاه دانشگاه‌های ایران در نظام رتبه‌بندی بین‌المللی و نیز در سطح ملی، تأثیر نظام رتبه‌بندی بر تولید دانش در دانشگاه‌ها و ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش، نقدهای وارد بر نظام رتبه‌بندی.
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

هدف از برگزاری نشست

تحلیل وضع موجود نظام آموزش عالی از لحاظ رتبه‌بندی و تولید دانش در دانشگاه‌های ایران با نگاهی به وضعیت جهانی و ارائه راهکارهایی برای ارتقاء سطح کمی و کیفی تولید دانش و ارتقاء جایگاه دانشگاه‌ها در نظام رتبه‌بندی.

چکیده مباحث طرح شده

نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها مجموعه‌ای از نشانگرهای اساسی مربوط به کارکردهای اصلی

آموزش عالی است. امروزه جایگاه هر دانشگاه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی براساس نظام رتبه‌بندی تعیین می‌شود. نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، به دنبال ارزیابی دقیق عملکرد دانشگاه و تعیین رتبه هر دانشگاه براساس معیارها و نشانگرهایی است که عمده‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کیفیت آموزش، کیفیت اعضای هیئت علمی، برون‌داد پژوهشی و تولید دانش در حوزه‌های تخصصی.

دانشگاه‌ها بر سر ارتقاء جایگاه خود و نیز بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات علمی- تخصصی قابل عرضه خود، در حال رقابت با یکدیگر در سطوح بین‌المللی و ملی هستند. در این زمینه، اندازه‌گیری رتبه هر دانشگاه فاصله و شکاف آن را با دانشگاه‌های برتر تعیین می‌کند. داده‌های حاصل از این فرایند، می‌تواند در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای کاهش فاصله و بهبود کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد؛ همچنین معیارها یا نشانگرهای رتبه‌بندی می‌توانند تأثیر چشمگیری بر سیاست‌های آموزش عالی، در سطح کلان و جهت‌گیری‌های راهبردی در دانشگاه‌ها داشته باشند. از این لحاظ توجه به نظام رتبه‌بندی به‌ویژه آثار آن بر سازوکارهای تولید دانش و ارتقاء سطح کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها و آموزش عالی به‌طور کلی حائز اهمیت است.

چکیده مباحث صاحب‌نظران در نشست

۱. تولید دانش اولین وظیفه دانشگاه است. انتظار دانشگاهیان از دانشگاه در اولین مرتبه تولید دانش است. اعضای هیئت علمی که در تولید دانش توانمند باشند، در آموزش نیز افراد موفق خواهند بود.

۲. در این نشست نسبت به بحث رتبه‌بندی دانشگاه‌ها دو دیدگاه مطرح شد: یک دیدگاه نسبتاً قوی به‌عنوان رد یا ورود جدی نقد به نظام رتبه‌بندی و یک دیدگاه که به رتبه‌بندی اهمیت زیادی می‌داد. بین اعضای شرکت‌کننده در نشست اختلاف نظر جدی وجود داشت که این خود نشانی از وجود اختلاف نظر در حد تئوریک در سطح جهان است. صاحب‌نظران در خصوص رتبه‌بندی نظرات مخالف و موافقی ابراز داشته‌اند؛ از جمله استدلال‌ها برای عدم تأکید بر نظام رتبه‌بندی این است که به‌طور کلی دانشگاه‌هایی که

دارای جایزه نوبل، پژوهشگران دارای استناد بالا یا مقاله‌های منتشر شده در مجله‌هایی همچون Nature و Science هستند، در این رتبه‌بندی مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ بنابراین دانشگاه‌های ایرانی معمولاً قادر به رقابت با دانشگاه‌های مطرح دنیا در این زمینه نیستند.

علاوه بر این، نظام رتبه‌بندی علمی دانشگاه‌های جهان تمرکز و جامعه هدف خود را بر دانشگاه‌های تحقیقاتی برتر دنیا قرار داده است. از آنجا که در شرایط کنونی و حتی در آینده نیز تأکید بر بعد آموزشی کارکرد دانشگاه‌هاست، تمرکز بر فعالیت‌های پژوهشی، موجب کم‌توجهی به بعد آموزشی عملکرد دانشگاه‌ها خواهد شد. در کنار طرح این نقدها و در موافقت با اهمیت توجه به نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، استدلال شد که به‌رحال نظام رتبه‌بندی، شاخص و سطحی از عملکرد را معرفی می‌کند که دانشگاه‌ها نباید نسبت به آن بی‌توجه باشند؛ بنابراین برای رسیدن به سطحی از استانداردها باید به نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح داخلی و در سطح جهان توجه کرد؛ به‌ویژه اگر سیاست دانشگاه حرکت به‌سوی «بین‌المللی» شدن باشد، لازم است حتماً نشانگرهای رتبه‌بندی در سطح جهانی مورد توجه واقع شوند.

۳. رویکرد رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، بهترین راه برای بهبود کیفیت آموزش عالی نیست. نکته در رد یا پذیرش نظام رتبه‌بندی نیست، بلکه در معیارها و نشانگرهای رتبه‌بندی و نیز آثار و تبعات آن بر کیفیت در آموزش عالی است. درحالی‌حال حاضر رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد و کمک چشمگیری به افزایش کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها نمی‌کند. استدلال اصلی در این زمینه، تأکید بر افزایش کمی مقالات و آثار منتشر شده و کم‌توجهی به بعد کیفیت محتوای مقالات است.

۴. یکی از نقدهای وارد بر رتبه‌بندی، عدم امکان ورود مقالاتی است که غیر زبان انگلیسی هستند. تنها ۵۰ درصد از علوم دنیا به زبان انگلیسی است. شاخص‌های رتبه‌بندی بیشتر بر پژوهش و تولید علم است؛ درحالی‌که کار اصلی دانشگاه آموزش است و توجه به رتبه‌بندی به کیفیت آموزش لطمه می‌زند؛ همچنین رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بیشتر

سوگیری آکادمیک نسبت به دانشگاه‌های جامع دارد و این امر به نفع دانشگاه‌های غیرجامع نیست.

۵. چهار عامل در شکل‌دهی به واقعیت دانشگاه مؤثرند:

۱. اجتماع علمی: که در ایران هنوز به‌عنوان یک نیروی مستقل شکل نگرفته است.
۲. دولت: که در پی تسلط بر دانشگاه است. دیوان‌سالاری دانشگاه را جهت می‌دهد؛ مثلاً از طریق شاخص تعداد مقالات چاپ‌شده که بیشتر، شاخصی تحمیل‌شده از سوی دولت به دانشگاه‌هاست.

۳. جامعه مدنی: تلاش برای تعریف علم و ویژگی‌های دانش. تلاش دانشگاه برای تأمین عدالت در جامعه، گسترش رضایت شهروندی، تعامل با جامعه، فراگیر کردن قانون، گسترش اخلاق‌گرایی و مسئولیت‌پذیری، کمک به فرهنگ پاسخ‌گویی، افزایش کیفیت زندگی اجتماعی شهروندان. چه تعداد از مسائل جامعه را دانشگاه‌ها حل کرده‌اند. این نوع قدرت در ایران، کمتر مورد توجه بوده است.

۴. بازار: نظام رتبه‌بندی اخیراً به‌شدت تحت تأثیر سلطه بازار بر فضای دانشگاه است. انتظار می‌رود دانشگاه‌ها تولید علمی انجام دهند که به نوآوری در دنیای تجارت کمک کند. در غیر اینصورت چنین تصور می‌شود که از قافله عقب‌مانده است. توجه به بخش خصوصی و کاهش نفوذ دولت مدنظر است.

۶. برای ارزشیابی کیفیت آموزش عالی استاندارد جهانی نداریم، اما در سطح منطقه‌ای ملاک‌ها و معیارهایی وجود دارد. برای تعیین کیفیت آموزش در دانشگاه، باید اهداف و انتظارات به‌طور روشن تعیین شده باشد. چنانکه این اهداف و انتظارات روشن نباشد، امکان تعیین کیفیت آموزش یا تعیین وضع موجود وجود ندارد.

۷. متغیر و ضرایب نظام رتبه‌بندی در دانشگاه‌ها معمولاً تغییر می‌کنند؛ بنابراین امکان مقایسه نظام‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها به‌طور سالانه وجود ندارد.

۸. نکته دیگر این است که آیا شرایط و امکانات برای ارتقاء واقعی رتبه در دانشگاه‌ها و به‌طور کلی آموزش عالی وجود دارد. به‌ویژه از لحاظ سهم بودجه آموزش عالی نسبت

به بودجه عمومی کشور.

۹. به هر حال در سطح جهان، بحث استانداردسازی و رتبه‌بندی یک واقعیت است؛ اما نه به صورت تنها عامل در ارتقاء آموزش عالی، بلکه به مثابه یکی از عوامل تعیین جایگاه دانشگاه‌ها، چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌المللی، می‌توانند محرک و ملاکی برای سیاست‌گذاری و ارزشیابی عملکرد دانشگاه‌ها باشند.

۱۰. نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، یک نظام علمی و عینی نیست، بلکه یک نظام ذهنی، ایدئولوژیک و وابسته به قدرت برای شکل دادن به دانشگاه است؛ همچنین نظام رتبه‌بندی در دانشگاه‌ها در حال حاضر شدیداً تحت تأثیر سلطه بازار بر فضای دانشگاه است؛ یعنی اثربخشی دانشگاه در حوزه تجارت و اقتصاد مدنظر است (نوآوری در حوزه تجارت).

۱۱. در برخی از ملاک‌های رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، مثلاً فارغ‌التحصیلانی که جایزه نوبل دریافت کرده‌اند، دانشگاه‌های علوم انسانی جایگاهی نخواهند داشت.

۱۲. بازار جهانی آموزش عالی عاملی است برای توسعه توجه به نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها. دانشگاه‌ها در سطح جهان، به دنبال جذب دانشجویان خارجی هستند. در صورتی که بین‌المللی سازی دانشگاه هدف باشد لازم است به موضوع رتبه‌بندی توجه کنیم. هر چند با توجه به شرایط فرهنگی، قوانین و مقررات و نیز امکانات موجود در شرایط کنونی جذب دانشجوی خارجی عملاً امکان‌پذیر نیست.

توصیه‌های سیاستی

۱. ملاک‌ها و معیارهای رتبه‌بندی باید بر محتوا، کیفیت آموزش، حل مسائل اساسی جامعه تأکید داشته باشد. از آنجا که نشانگرهای رتبه‌بندی، بیشتر بر فعالیتهای پژوهشی تأکید دارند؛ مسئله آموزش که کار اصلی دانشگاه‌هاست، مورد غفلت واقع شده و در نتیجه منجر به کاهش کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها می‌شود؛ از سوی دیگر تأکید بر تعداد آثار منتشر شده شامل کتاب و مقاله موجب شده است افزایش جنبه کمی این آثار، به ویژه تعداد مقالات در نشریات بین‌المللی و نیز داخلی مورد تأکید و تمرکز

- باشد. این روند باعث شده است که ما در سطح کشور، شاهد افزایش تعداد مقالات اعضای هیئت علمی باشیم؛ درحالی که مسائلی همچون بیکاری دانش‌آموختگان، شکاف بین دانشگاه و بخش صنعت و مواردی از این قبل همچنان برقرار است.
۲. لازم است مأموریت‌ها، اهداف و انتظارات دانشگاه‌ها به‌طور شفاف تعیین شود تا امکان ارزشیابی عملکرد آن‌ها وجود داشته باشد. کیفیت آموزش هر دانشگاه براساس اهداف و انتظارات اعلام‌شده مورد سنجش قرار گیرد؛ برای مثال انتظارات جامعه و آموزش عالی از دانشگاه علامه طباطبائی چیست؟ پس از تعیین این انتظارات در راستای آن اقدام صورت گیرد و سپس عملکرد دانشگاه براساس آن ارزشیابی شود.
۳. به‌جای تأکید بر جنبه‌های کمی رتبه‌بندی مثلاً تعداد مقالات چاپ‌شده، بر کیفیت محتوای مقالات و میزان کمک آن‌ها در حل مشکلات جامعه تأکید شود. مساوی دانستن توسعه علمی، با رشد مقالات چاپ‌شده امری اشتباه است.
۴. ارزیابی درونی (درون‌گروهی، دانشکده‌ای و دانشگاهی) و ارزیابی برونی خارج از دانشگاه به‌طور مکمل می‌تواند جانشین مناسبی برای نظام رتبه‌بندی دانشگاه‌ها باشند.
۵. رابطه مستقیمی بین توسعه علمی، میزان بودجه دانشگاه‌ها، عملکرد و بهره‌وری وجود دارد. در ارزشیابی دانشگاه‌ها باید به این عوامل توجه داشت. با توجه به میزان بودجه آموزش عالی در ایران و مقایسه آن با سایر کشورهای توسعه‌یافته ضرورت دارد بودجه دانشگاه‌ها به حد کفایت تأمین شود. توجه به زیرساخت‌ها و امکانات برای توسعه علمی و تولید دانش ضرورت دارد.
۶. در رتبه‌بندی‌ها بیشتر دانشگاه‌های بزرگ مستقر در تهران مدنظر هستند به‌جای آن بهتر است به دانشگاه‌های شهرستان‌ها هم توجه شود. با توجه به شرایط و امکانات و مرکزیت شهر تهران، دانشگاه‌های مستقر در شهر تهران، به‌نوعی ملاک مقایسه سایر دانشگاه‌ها در سطح کشور قرار گرفته‌اند. درحالی‌که برای برخی از دانشگاه‌های شهرستان‌ها امکان رقابت با دانشگاه‌های بزرگ در تهران وجود ندارد. وزارت علوم از طریق سازوکارهای قانونی و نیز تخصیص منابع کافی می‌تواند زمینه را برای ارتقاء

سطح دانشگاه‌های خارج از تهران فراهم سازد.

۷. در شرایط کنونی، مهم‌ترین نیاز دانشگاه‌های ما کیفیت‌بخشی است که رتبه‌بندی پاسخ این نیاز نیست. شرایط فعلی برای توجه به مقوله کیفیت در آموزش عالی مناسب است و باید به جای گسترش کمی، به فکر توسعه کیفی آموزش عالی باشیم.

۸. خودداری وزارت علوم از گسترش واحدهای دانشگاهی، بازنگری در رشته‌ها و نیز سرفصل دروس به‌منظور انطباق آن‌ها با نیازهای جامعه و بازار کار، می‌تواند در این راستا راهگشا باشد؛ همچنین توجه هم‌زمان به جنبه آموزشی در دانشگاه در کنار فعالیت‌های پژوهشی به‌ویژه تدوین مقالات با تأکید بر حل مسائل واقعی جامعه و نیز دقت بیشتر در فرایند داوری و چاپ مقالات.

۹. به‌جای تأکید بر رتبه‌بندی دانشگاه‌ها در سطح کشور و به‌منظور مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی گروه‌ها و دانشکده‌ها نسبت به عملکرد خود. رتبه‌بندی در سطح گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها صورت گیرد.

۱۰. نکته مهم این است که باید مراقب بود توسعه کیفی فدای گسترش کمی آموزش عالی نشود و رسالت اصلی دانشگاه‌ها ملاک اصلی ارزشیابی عملکرد دانشگاه‌ها و آموزش عالی باشد.

۱۱. چنانچه رتبه‌بندی در دانشگاه‌ها و در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد توجه قرار گیرد، ضرورت دارد تأمین منابع و امکانات ارتقاء رتبه دانشگاه‌ها به‌ویژه بودجه دانشگاه‌ها به‌قدر کفایت مورد توجه قرار گیرد.